



یادداشت

مبارزه با چپ زیر عنوان مبارزه با فساد و واگذاری های رانتی

صادق کار



روح الله ایزدخواه رئیس کمیته خودرو در کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مصاحبه‌ای که اخیرا خبرگزاری تسنیم با او داشته است گفته است تنها قیمت زمین های هفت تپه در هنگام واگذاری ۱۲۰۰ میلیارد ارزش داشته ولی هفت تپه به قیمت ۲۹۸ میلیارد تومان واگذار شده که فقط شش میلیارد آن پرداخت شده. از اظهارات این نماینده وابسته به طیف محافظه کاران چنین بر می آید که ظاهرا قرار بوده بقیه این مبلغ بصورت اقساط به دولت پرداخت شود ولی پرداخت نشده است و گویا مالکان خصوصی مجتمع هم قصد پرداخت اقساط بدهی شان به دولت را نداشته‌اند. دولت هم گویا تلاشی برای وصول اقساط نکرده است.

اظهارات این نماینده محافظه کار منتقد دولت روحانی گذشته از نیاتی که پشت افشاگری اش قرار دارد درست به نظر می رسد و در موارد زیاد دیگری اتفاق افتاده است و اسنادی نیز در مورد مفت فروشی ها و بذل و بخش اموال عمومی به بستگان حکومت از طرف افراد مختلف منتشر شده اند که مسئولین دولتی نیز آنها را رد نکرده‌اند. کشت و صنعت مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه تنها نمونه‌هایی از این حاتم بخشی ها هستند که ظاهرا به افراد نزدیک به دولت واگذار شده‌اند. بهمین جهت تمرکز محافظه کاران رقیب دولت بر روی آنها متمرکز گردیده. اما واقعیت این است که ابعاد حاتم بخشی از جیب ملت تا آنجا که مربوط به واگذاری های رانتی است وسیعتر از آن هستند که محافظه کاران رقیب روحانی سعی می کنند افشای شان کنند.

واحدهای بسیاری نیز در این میان به افراد وابسته به طیف محافظه کاران و نهادهای تحت کنترل آنها ای بسا با شرایط و قیمت‌های کمتر و حتی بخشی کلا رایگان به نهادهای معینی واگذار شده که هیچ کدام شان مطابق قوانین خود حکومت نیز قانونی نبوده‌اند. محافظه کاران افشاگر که لباس دروغین مبارزه با فساد بر خود پوشانده‌اند در باره این بخش سکوت مطلق اختیار نموده وجوی بوجود آورده‌اند که کمتر کسی از جناح رقیبی جرات افشاگری در مورد خود آنها را به خود بدهد.



همین قضایا روشن می کند که مخالفت این جریان با واگذاری ها و سیاست خصوصی سازی از جنس مخالفتی که کارگران و نیروهای ترقیخواه دنبال و برای آن تلاش و پیکار می نمایند نیست. دعوای آنها با رقبای دولتی شان بر سر لحاف ملاست. با این همه اینها نایست مانع از بهره گیری درست کارگران و مخالفان خصوصی سازی از شکافها و مانورهای میان جناح ها در راستای مطالبات کارگران شود. مهم این است که تلاشهای آنها برای سوء استفاده از ظرفیت مبارزاتی کارگران و مخالفان خصوصی سازی و مصادره دست آوردهای آن بی اثر شوند. از سوی دیگر گمان بر این است که جریان محافظه کار تا چند ماه دیگر کنترل دولت را اگر اتفاق مهمی تا آن موقع روی ندهد به دست می گیرد و می تواند هر برخوردی با واگذاریها و خصوصی سازی که مدعی است با آنها مخالف است انجام دهد. در این صورت چه چیزی باعث شده تا آنها پیشاپیش رخت مبارزه با فساد بر تن کرده اند؟ نگرانی از گسترش دم افزون مخالفت کارگران و مزدبگیران و سایر نیروهای اجتماعی مترقی و مدافع عدالت اجتماعی و رشد و انکشاف غیر قابل لاپوشانی جریان چپ در میان زحمتکشان به واقع انگیزه اصلی بخشی از این نیروهاست. که نگران تحولات فکری و سیاسی در جامعه هستند. تحولاتی که می توانند نیروی اجتماعی بسیج نماید و بساط حکومت را به صورت ترقی خواهانه بر هم بریزد.

بی جهت نیست که این جریان در عین تظاهر به عدالتخواهی و فسادستیزی سازمانگران و فعالان مدافع عدالت اجتماعی را دسته دسته روانه زندان می کند و اکثر قریب به اتفاق فاسدان اقتصادی و غارتگران اموال عمومی را به حال خود می گذارد تا به دزدی های شان ادامه و اثری از حقوق کارگران باقی نگذارند. کسی اگر دنبال عدالت باشد دست به چنین اعمال بی شرمانه ای نمی زند. حساب این جماعت از حساب دستگاههای سرکوب حکومتی و اربابان سرمایه تفکیک پذیر نیست. بین آنها تنها یک تقسیم مسئولیت صورت گرفته است مقصود اصلی محافظه کاران از این گونه مانورهای تاکتیکی عوام فریبانه جلب نظر و آرای توده های زحمتکش روی گردانده از هر دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب بسوی خود با تظاهر به مستقل بودن از هر دو جناح بدنام و فاسد به جهت بیراهه بردن مردم و جلوگیری از گرایش فزاینده زحمتکشان به نیروهای چپ و ترقیخواه و تضعیف آنهاست و گر نه جریانات اصلاح طلب و اعتدالگرایان و نولیبرالها حداقل در مقطع کنونی با اقتضاحاتی که به بار آورده اند رقیب قدری محسوب نمی شوند.

این مانورهای پیچیده متأسفانه نظر به امکانات رسانه ای و مالی عظیمی که محافظه کاران در اختیار دارند به رغم شناخت بیشتر جامعه نسبت به گذشته از ماهیت آنها اگر برای بی اثر کردن شان از طرف نیروهای چپ و ترقیخواه تلاش جدی نشود می تواند تا حدود و زمان معینی کارکرد داشته باشد و توهماتی در میان بخشهایی از زحمتکشان بوجود آورد.

فلاکت اقتصادی وحشتناک بیش از سه چهارم جمعیت کشور و نبود اپزوسیون مترقی منسجم و ناامیدی وسیع مردم از چشم انداز روشن نیز به نوبه خود به پیشبرد این هدف مساعدت می کند. از همین روی انسجام در میان نیروهای چپ و ترقیخواه در محتوی تحولات و خود تحولات پیش رو اهمیت اساسی پیدا می کند.

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش پانزدهم

آدام بوٹ



امواج بلند" سرمایه داری - ادامه

در این صورت جای تکنولوژی اطلاعات و اینترنت در این تصویری که از جهان پساکرمایه در ترسیم می شود، کجاست؟ به نظر میسون، بحران جهانی دهه ۷۰ قرن گذشته، که پایان "دوره شکوفائی" پس از جنگ را رقم زد، نقطه اوج چهارمین موج بلند تحول سرمایه داری نیز بود. اما برخلاف امواج بلند قبلی، که مبارزه طبقاتی گسترده و موفقیت آمیزی را به دنبال داشتند، نبردهای طبقاتی پس از بحران دهه مذکور به شکست انجامیدند و "نئولیبرالیسم"، چنان که در قامت تاجر و ریگان متجسد شد، پیروز از کار درآمد. اتحادیه های کارگری شکسته شدند، دیوار برلین فرو ریخت، اتحاد شوروی در هم شکست و جنبش کارگری و چپ تارومار شدند.

سرمایه داری از این نبردها پیروز بیرون آمد و سیستم قادر شد بر گرده آنان که در هم شکسته بودند، رشد کند. دستمزدها در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به شدت کاهش یافتند، جهانی شدن با گستردن خود به چین، اروپای شرقی، و اتحاد شوروی پیشین اوج گرفت، و به این ترتیب رشد آن موقتاً و مصنوعاً - از طریق تأمین اعتبار مالی و بسط اعتبار توده گیر - متحقق شد.

تفاوت کلیدی بین این امواج بلند این بود که در این نوبت اخیر طبقه کارگر نتوانست با موفقیت در برابر حملات طبقه حاکم مقاومت کند و نتوانست با مبارزاتش سطح دستمزدها را حفظ کند. در نتیجه اقتصادی به ظهور رسید که



به عوض سرمایه گذاری در تکنولوژی و تولید، به نحو فزاینده ای به بخشهای انگلی ای رو آورد: بخشهایی مبتنی بر سرمایه فرضی، حباب، بورس بازی، و استثمار میلیونها کارگر کم دستمزد در کشورهای مستعمره شده پیشین.

به زعم میسون، ما اکنون در "استانه یک موج بلند جدید – موج پنجم – سرمایه داری قرار داریم، که در میانه آن موج چهارم سرشار از کلاشی و کلاهبرداری بروز کرده است. او سپس می افزاید: "اما این موج جدید همانا پیشتر متوقف شده است"، و توضیح می دهد که دلیل این توقف در ذات نیروی محرکه تکنولوژیکی است که این موج را موجب شده است: اطلاعات.



تناقضات درونی اقتصادی بر بنیان اطلاعات

میسون برای توضیح توقف موج پنجم به قرائت غبار آلوده ای از تئوری مارکسیسم متوسل می شد، و مشخصاً از تئوری کار و ارزش، و نیز تحلیل مارکس از بحرانهای سرمایه داری کمک می گیرد. میسون به درستی استدلال می کند که درک این نکته که نیروی کار منبع تمام ارزش های واقعی است، برای درک تناقضات حاد ناشی از عصر اطلاعات ضرورت دارد.

سرمایه داران در تمام دوران سرمایه داری، زیر فشار رقابت، به سرمایه داری مجدد سودهای حاصله شان در تکنولوژیها و تکنیکهای جدید دست می زده اند، تا تولیدوری را افزایش دهند و بنابراین از هزینه های شان بکاهند؛ یعنی به ازای هزینه کمتر مقدار بیشتری تولید کنند. مولدترین و پیشرفته ترین سرمایه داران، با کاهش هزینه های تولید به سطحی پائین تر از سطح رایج بازار، می توانند به سودهای نجومی دست یابند و دیگران را از میدان رقابت بیرون کنند. با این حال این دست نوآوریها بالنسبه به سرعت به سراسر اقتصاد بسط می یابند و نوعی ارزش "اجتماعاً ضرور" تثبیت می شود.



بنابراین گرایش در درون سرمایه داری نیل به تولیدوری بیشتر و زمان کار کمتر برای تولید کالاهای مورد نیاز جامعه است. تکنولوژیهای راهگشا، از جمله تکنولوژیهای که پیشتر نام برده ایم، آنهایی بوده اند که در تقویت کمی تولیدوری نقشی انقلابی داشته اند.

اما این گرایش در یک اقتصاد "اطلاعات بنیان" به مرزهای نهایی خود رسیده است و به این ترتیب تناقضات سیستم سرمایه داری و ناتوانی آن را برای بهره گیری از پتانسیلهای تکنولوژیک موجود برجسته کرده است. مثلاً بسیاری از کالاهایی که ما می خریم، یا دیجیتالی اند (مثل موزیک، ویدئو، و از این دست) یا تولیدات مبتنی بر اطلاعات اند. از این جمله می توان طراحی های کامپیوتری برای محصولات چاپگرهای سه بعدی را نام برد. در این میان خود ابزارهای تولید و زیرساختهای تولید نیز دیجیتالی شده اند. برنامه های نرم افزاری برای کامپیوترها و وب سایت های HTML نمونه های خوبی برای ایمن گفته اند.



بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



اقتصاد دیجیتالی: فضای مجازی و زمان نامحدود در شبکه بخش ۹

رابرت یسن

ترجمه: گودرز



فصلی از کتاب "شرایط دیجیتالی – مارکسیسم پسامدرن و تجربه زندگی دیجیتال ۱" انتشارات دانشگاه وست مینیستر-۲۰۲۰

در حدود سال ۲۰۰۴، به اصطلاح ورژن دوم وب 'Web 2.0' به معنی مترادف قابل برنندسازی برای تعامل کاربر و کسب و کار تبدیل شد. این اصلاً اغراق آمیز نیست که می گویند گفتمان وب ۲/۰ چیزی است که وب را از آنچه تهدید و ابهام در جایگاه/متخصص پس از سقوط ۲۰۰۰ dot.com است نجات داد. در راه رسیدن به سقوط ۲۰۰۰، یک دهه از وعده های اغراق آمیز به شکلگیری حباب در سهام NASDAQ سوخت می رساند.

حداقل از هنگام آگهی '۱۹۸۴' اپل، محاسبات به عنوان مظهر کارایی کسب و کار و بهره وری فردی وارد آگاهی عمومی شده بود. رایانه ها و نوظهورتر "اینترنت" اغلب به عنوان راه حل تقریباً هر مشکلی دیده می شدند: از آموزش گرفته تا جامعه مدنی، و از سرمایه داری غیر اصطکاکی بیل گیتس گرفته تا اشکال جدید دموکراسی و جامعه سازی. اما اینترنت دهه ۹۰ موفق به ارائه هیچ یک از این قول ها نشد. این عدم موفقیت تا حدودی به این دلیل بود که پایه کاربر و زیرساخت های فنی به اندازه کافی توسعه داده نشده بودند، و تا حدودی نیز به این دلیل که رابطه کاربران با صاحبان اینترنت (شرکت هایی که بیش از یک دهه بود که به سرعت "محوطه دیجیتال" را ایجاد می کردند) به اندازه کافی تعاملی نبود. وب ۲/۰ پاسخ سیلیکون ولی به تهدید به مرگی بود که سقوط dot.com به سرمایه داری دیجیتال نشان می داد. ایدئولوژی کالیفرنایی سیلیکون ولی با از دست دادن سرمایه گذاری های بسیار



و از دست دادن چهره های بصیر در میان بزرگان فن آوری مورد آزمایش قرار گرفت. با این حال، در این لحظه کارآفرینی با استعداد و درک خیره کننده از قدرت زبان، به خصوص استعاره در نام تجاری ظاهر شد: تیم ارایلی، دانش آموز، و شرکت کننده در جنبش ضد فرهنگ کالیفرنایی از دهه ۱۹۷۰. ارایلی معروف است که با ضرب ترم و ثبت کپی رایت 'وب ۲/۰' به این نام تجاری اعتبار داده است. در تعریف قدرت استعاره، او نوشت: 'استعاره یعنی راهی برای ارائه کردن مسائل به گونه ای که مردم بتوانند چیزی را ببینند که در غیر این صورت ممکن بود از دست بدهند...' وب ۲/۰ این بود که به مردم اشاره کند که در ادامه قبلی وب چه چیزی را از دست داده بودند: و نکته بزرگ او آن بود که وب قبل از هر گونه افکار برای آزاد کردن مردم باید سودآور باشد. ارایلی در وبلاگ خود آشکارا در مورد آن در آن زمان می نوشت و برای 'اجلاس وب ۲/۰' در سان فرانسیسکو در سال ۲۰۰۴ تبلیغات می کرد. وی از جمله اعلام کرد که وب ۲/۰ اولین "کنفرانس اجرایی" ما - کنفرانسی با هدف جلب مدیران کسب و کار، با تمرکز بر روی تصویر بزرگ است. او آن را بی پرده تر یک سال بعد در وب سایت خود قرار داد: "وب ۲/۰ انقلاب کسب و کار در صنعت کامپیوتر و ناشی از حرکت به اینترنت به عنوان یک پلتفرم، و تلاش برای درک قوانین برای موفقیت در آن پلتفرم جدید است."



خصوصی سازی را متوقف کنید!



اضافه کاری بدون دستمزد غیرقانونی و بیگاری است، زیر بار آن نروید!

صادق



کارگران معدن سنگ آهن آریا در شهر زرند از ششم دی اعتصابی را شروع کرده‌اند که تا سه شنبه این هفته هنوز با وجود گذشت ۸ روز از آن ادامه داشته است. دلیل اعتصاب بسیار ساده است، اعتراض به افزایش ساعات کار روزانه بدون پرداخت مزد اضافی. تصمیم به افزایش ساعات کار که مخالف قانون هم هست بطور یکجانبه و ناگهانی توسط صاحب معدن اخذ گردیده. کارگران در واکنش به این اقدام غیر قانونی کارفرما ابتدا از او خواسته‌اند یا ساعات کار قانونی را بپذیرد و یا بابت ساعات اضافی دستمزد آن را بپردازد.

کارفرما با هر دو درخواست کارگران مخالفت نموده و آنها را به بستن کارخانه تهدید نموده است. کارگران متقابلاً ابتدا از کارفرما به اداره کار و سپس به فرماندار شکایت کرده و خواهان رسیدگی شده‌اند اما چون آنها جانب کارفرمای قانون شکن را گرفته‌اند، چاره دیگری جز اعتصاب پیدا نکرده‌اند.

اما جالب در این میان توجیهات فرماندار است که گفته است مقررات و شرایط کار در کارخانه خصوصی را هیئت مدیره آن تعیین می‌کند. این اظهار نظر فرماندار حاکی از آن است که این جناب عالی مقام یا آنقدر از قضایا پرت است که نمی‌داند هیئت مدیره و یا هیچ مقام دولتی یا کارفرمای دولتی یا خصوصی نمی‌تواند مقرراتی را برقرار کند که ناقض قوانین اصلی یک کشور باشد و یا میداند و خودش را به نادانی زده است. او به نظر می‌رسد که این حقیقت ساده را نمی‌داند. چرا که اگر می‌دانست برای حفظ ظاهر هم که شده آنرا به خبرنگار نمی‌گفت.

ساعات کار هفتگی در قانون کار ۴۴ ساعت در هفته است. طبق قوانین موجود اولاً ساعات اضافه کاری به دلیل اجتناب از فرسوده کردن بیش از حد کارگر و پیامدهای آن محدود است دوماً برای هر ساعت اضافه کاری بسته به زمان انجام کار بایستی درصدی هم اضافه بر مزد بساعات کاری به کارگر پرداخت کنند.

البته تحمیل ساعات اضافی کار بدون مزد به کارگر که نامی مناسبتر از بیگاری بر آن نمیتوان نهاد توسط کارفرمای معدن سنگ آهن یک استثنا نیست. این پدیده‌ای است که از مدتی پیش در حال رایج شدن



است. گزارشات متعددی وجود دارند که نشان می دهند تحمیل اضافه کاری بدون دستمزد در تعداد زیادی از موسسات خصوصی مدتی است که باب گردیده و در حال سرایت به موسسات دیگر است.

اگر تا مدتی پیشتر کارگران خسته و فرسوده از سنگینی و فشار کار را برای اینکه برایشان با صرفه تر از استخدام کارگر بود مجبور به اضافه کاری با دستمزد می کردند، حالا دارند بدون دادن دستمزد این کار را باب می کنند. خیالشان هم راه است که دولت و دیگر نهادهای حکومتی کاری به قانون شکنی ها و بیگاری کشیدن از کارگران شان ندارند و ادارات دولتی نیز گویا از بالا دستور گرفته اند که کارفرمایان را آزاد بگذارند تا هر خلاقی که دلشان خواست انجام دهند.

تصورش را بکنید طبقه کارگر در حکومت عدل علی خامنه ای را به ۱۰۰ سال پیش به همان زمانی می خواهند برگردانند که مبارزه برای ۸ ساعت کار در راس مطالبات مبارزاتی اش بود. قبل از این نیز بتدریج بیشتر دست آوردهای مبارزاتی جنبش کارگری را که در اثر پیکار های پر تلفات چندین نسل از مبارزان کارگری و جانفشانی های آنها کسب شده اند از میان برداشتند. حالا کارشان به از میان برداشتن ساعت کار رسیده است. با این اوصاف اگر به آنها بیشتر فرصت داده شود ما را تا مرز بردگی صاحبان سرمایه و قدرت پس خواهند راند. متحد و متشکل شویم تا بتوانیم این نظم جهنمی وحشی را پیش از آنکه ما را به دوران برده داری برگرداند، از بیخ و بن برکنیم و نظم انسانی را جای آن بنشانیم. امروز دفاع از حقوق زحمت کشان با اتحاد و همبستگی و مبارزه مشترک و عملی و همه زحمتکشان و سازمانهای کارگری است که معنی پیدا می کند و می تواند موثر و کارساز باشد. تکروری و انشقاق، انفعال و بسنده کردن به دادن شعار و بیانیه های زیبا پاسخگوی زمانه ما نیستند. از یاد نبریم نیروی چپ تفرقه جو هم در این فلاکتی که بر سر زحمتکشان آمده بکلی از تقصیر مبرا نیست



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تداوم تعلل دستگاه قضایی در صدور رای برای اسدبیگی، شتاب برای محاکمه کارگران حق طلب!

در این هفته نیز به رغم وعده‌های پیشین نه خبری از اعلام حکم دادگاه اسدبیگی مالک اختلاسگر هفت تپه شد و نه رای هیئت داورى در خصوص خلع مالکیت هفت تپه از اسد بیگی و شرکای وی. اما در عوض به نوشته اسماعیل بخشی از رهبران اعتصابات دوسال اخیر کارگران هفت تپه پرونده ۱۵ کارگر حق طلب و فعال هفت تپه به شعبه ۱۰۳ کیفری در شهر شوش برای محاکمه ارجاع شده است. هیچکدام از این دو خبر بی ارتباط با تجمعاتی که در سوم دی به دعوت کارگران هفت تپه همزمان با روزی که قرار بود هیئت داورى رای خودش در خصوص خلع ید را اعلام کند در تهران برگزار شد نیست. در واقع هیئت داورى اعلام رای نهایی اش را بخاطر همین تجمعات و فضای حمایتی مثبتی که در اثر هشتک (خلع ید یک کلام والسلام) اسماعیل بخشی ایجاد شده بود به بعد موکول کرد تا نقش کارگران و این اقدامات را به خیال خود در اعلام رای بی اثر جلوه دهد. حال اینکه کشیدن کار اسدبیگی به دادگاه و هیئت داورى نتیجه مبارزات کارگران هفت تپه است. ارجاع پرونده قضایی این ۱۵ فعال کارگری نیز نوعی انتقامجویی از کسانی است که با مبارزات شان سبب ساز محاکمه مالک اختلاسگر و فاسد هفت تپه شدند. با وجود پیروزی های نسبی که کارگران هفت تپه به دست آورده‌اند ولی مبارزه بر سر سرنوشت مالکیت هفت تپه در صورت خلع ید از اسد بیگی هم به نظر می رسد ادامه پیدا کند.

تجمع کارگران بیکار شده رنگین نخ سمنان

ده‌ها تن از کارگران بیکار شده کارخانه رنگین نخ سمنان در ۹ دی با تجمع در مقابل استانداری سمنان خواستار پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده خود شدند. کارگران معترض در تجمع خود خواستار دخالت استاندار برای گرفتن طلب مزدی شان از کارفرما شدند. به گفته یکی از کارگران به خبرگزاری ایلنا آنها تا کنون ۱۳ بار برای گرفتن طلب های شان تجمع کرده‌اند. در واقع وقتی کارفرمایی از پرداخت دیون خود به کارگران طفره می رود



این وظیفه قانونی ادارات کار است که کارفرما را مطابق قانون کار و ادار به پرداخت دیون خود نماید. اما ظاهراً اداره کار سمنان به وظیفه‌اش عمل نکرده که کارگران برای گرفتن حقوق شان به ۱۳ بار تجمع توسل جسته و در نهایت به استاندار رجوع کرده‌اند.

اعتراض کارگران صنوف شهرستان راسک به دستمزدهای یک میلیونی

کارگران صنوف مختلف در شهرستان راسک در بلوچستان، در این هفته نسبت به خودداری کارفرمایان صنوف شهر از پرداخت دستمزد مصوب شورای عالی کار اعتراض کردند. کارگران معترض گفته‌اند دستمزدی که به آنها پرداخت می‌کنند یک میلیون تومان است که یک و نیم میلیون کمتر از حداقل دستمزد قانونی است. در این شهرستان هم گویا اداره کار کارفرمایان را به حال خود رها نموده تا مصوبات قانونی وزارت کار را لگد مال نمایند. معلوم نیست که این ادارات با این همه دم و دستگاه و هزینه برای چه درست شده‌اند. با دستمزد قانونی هم کسی نمی‌تواند حداقل وسایل خورد و خوراک خانواده‌اش را تامین کند تا چه برسد به دستمزد یک میلیونی

تجمع اعتراضی دوباره کارگران در بندر ماهشهر

شمار زیادی از کارگران مناطق آزاد در بندر ماهشهر ۸ دی در اعتراض به عدم اجرای طبقه بندی مشاغل مطابق مصوبات توافق شده میان نمایندگان کارگران با نمایندگان کارفرمایان و مسئولین شهر و پرداخت نشدن منظم و به موقع دستمزدها و حقوق شان بار دیگر تجمع کردند. کارگران معترض در تجمع خود خواستار اجرای طرح طبقه بندی و پرداخت منظم دستمزدشان شدند. گفتنی است از زمانی که کارفرمایان در اثر اعتصابات جمعی کارگران در منطقه ماهشهر مجبور به انجام طبقه بندی مشاغل شدند، عده‌ای از آنها با ندادن منظم دستمزدهای کارگران و فشار به آنها سعی می‌کنند از اجرای طبقه بندی مشاغل طفره برونند کارگران نیز که دست کارفرمایان را خوانده‌اند با انجام اعتصاب و تجمع خواسته هایشان را دنبال می‌کنند. نظر به پر سود بودن صنعت پتروشیمی اعتصاب در واحدهای پتروشیمی شدیداً به ضرر کارفرمایان است بهمین جهت اعتصاب جواب می‌دهد.

کارگران کارخانه سیمان جوین واقع در شهرستان جفتان ندر استان خراسان نیز در ۹ دی در اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی تجمع کردند

اعتصاب کارگران معدن سنگ آریا در زرنند

کارگران این معدن از یک هفته پیش تا کنون در اعتصاب بسر می‌برند. علت اعتصاب افزایش ساعات کار بدون افزایش دستمزد است. کارگران خواهان افزایش دستمزد و یا کاهش ساعات کار شده‌اند. کارفرما تا میانه این هفته



به کارگران جواب منفی داده است و تهدید کرده که معدن را تعطیل و کارگران را بیرون خواهد ریخت. مراجعه کارگران به مقامات دولتی شهر هم ره بجایی نبرده. همه آنها از کارفرما دفاع می کنند.

گفتنی است که افزایش ساعات کار بدون پرداخت دستمزد اضافی در این اواخر در حال باب گردیدن توسط عده‌ای از کارفرمایان بخش خصوصی است. این در حالی است که ساعات کار قانونی در قانون کار ۴۴ ساعت در هفته است و برای هر ساعت اضافه کاری بایستی علاوه بر دستمزد یک ساعت حداقل ۳۵ درصد اضافه پرداخت شود. می بینیم که به چه راحتی کارفرمایان دست آوردهای تاریخی جنبش کارگری را تحت حمایت دولت روحانی لگد مال می کنند. علت اصلی این اقدامات غیر از این نیست که طبقه کارگر سازمان ندارد تا از حقوق خود در مقابل تعرضات سرمایه داران دفاع کند.

ادامه اعتراضات معلمان غیر رسمی و خرید خدمت

اعتراضات معلمان نهضت سواد آموزی در این هفته نیز ادامه یافت، آنها در ۷ دی دوباره در مقابل مجلس تجمع و خواستار استخدام در آموزش و پرورش شدند.

در یزد نیز ۸۰۰ نفر از معلمان غیر رسمی به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی، تبعیض و ارضایتی از شرایط شغلی خود تجمع کردند.

تجمع کارکنان شرکتی بخش بهداشت و درمان مقابل مجلس

کارکنان شرکتی بخش بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی ۹ دی در اعتراض به بلاتکلیف ماندن وضعیت استخدامی، اعمال تبعیض و اجرا نشدن برخی قوانین رفاهی در مورد کارکنان شرکتی مقابل مجلس تجمع و خواستار، پرداخت ۵۰ درصد فوق العاد قانونی، از اول دی، تبدیل قرارداد شرکتی به رسمی و اجرای قوانینی شدند که شامل حال کارکنان رسمی، قراردادی و پیمانی می شوند. شایان ذکر است که طی سالهای اخیر اعتراضات گسترده و متعددی از طرف پرستاران و سایر کارکنان شرکتی که توسط شرکتهای دلال نیروی کار به موسسات درمانی اجاره داده می شوند علیه کار شرکتی صورت گرفته که مهمترین مطالبه آنها استخدام مستقیم توسط موسساتی است که برای آنها کار می کنند. دستمزد کارکنان شرکتی پائین، شرایط کاری شان دشوار و از امتیازاتی که به کارکنان غیر شرکتی تعلق می گیرد محروم هستند.

تجمع کارگران شهرداری در آبادان

ده‌ها تن از کارگران فضای سبز شهرداری آبادان که برای یک شرکت پیمانکار کار میکنند در ۹ دی در اعتراض به پرداخت نشدن چهار ماه مطالبه مزدی و حق بیمه هایشان توسط کارفرما در محوطه شهرداری شهر تجمع کردند. کارگران معترض همچنین نسبت به پرداخت نشدن دستمزد ساعات اضافه کاری، ندادن مزایا و وضعیت



بیمه ای شان به دلیل اینکه کارفرما حق بیمه آنها را کامل پرداخت نکرده است اعتراض کردند و از مسئولین شهرداری خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند. با وجود مشکلات بسیاری که شرکتهای پیمانکاری برای کارگران شان بوجود می آورند و نارضایتی وسیعی که کارگران از این شرکتها دارند، معلوم نیست چرا شهرداری ها با پیمانکاران متخلف قرارداد امضا می کنند و در مقابل ظلمی که علیه زحمتکش ترین کارگران اعمال می کنند سکوت می کنند. چرا اعضای شوراهای شهرداری که بایستی پیگیر این مسائل هم باشند، اقدامی برای پایان دادن به رفتارهای غیر انسانی پیمانکاران نمی کنند؟

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!